جمع آوری معتادان متجاهر کمتر از ۱۸ سال در پایتخت

فرمانده انتظامی تهران بزرگ از اجرای طرح جمع آوری معتادان متجاهر کمتر از ۱۸سال در پایتخت خبر داد.

سردار حسین رحیمی در اجرای دوازدهمین مرحله از طرح «ظفر» که همزمان با هفته جهانی مبارزه با مواد مخدر برگزار شد با بیان اینکه در اجرای مرحله ۱۲ طرح ظفر ۲هزار و ۴۳۱کیلوگرم انواع مواد مخدر کشف و ضبط شد، گفت: ۵۰۰کیلوگرم از این مواد از خرده‌فروشان کشف شده و این یعنی برای گرم به گرم آن زحمت کشیده‌شده‌است و مابقی این مواد نیز از چهار باند کشف شد. سردار رحیمی با بیان اینکه ۶۳ قاچاقچی عمده مواد مخدر در اجرای این طرح دستگیر شدند، گفت: یکی از دغدغه‌های ما فروش مواد مخدر در فضای مجازی بود که در همین راستا ۴۳ تارنما که اقدام به ترویج مصرف و فروش مواد مخدر کرده‌بودند، شناسایی شده و ۲۳نفر نیز دستگیر شدند، همچنین ۱۶کیلوگرم موادمخدر نیز از این افراد کشف شد.

رئیس پلیس پایتخت با بیان اینکه ۲هزار و ۱۰۸معتاد متجاهر در این طرح جمع‌آوری شدند، افزود: افراد جمع‌آوری شده به مراکز بازپروری و ترک اعتیاد منتقل خواهند شد، همچنین ۳۲دستگاه خودرو و موتور سیکلت نیز از قاچاقچیان توقیف شد.

وی در حاشیه اجرای مرحله دوازدهم طرح ظفر با اشاره به اینکه یکی از مشکلاتی که همواره با آن روبه‌رو بودیم جمع‌آوری معتادان متجاهر دارای صغر سن بود، گفت: با پیگیری‌های زیاد و جلسات مختلفی که برگزار کردیم سرانجام تصمیم بر آن شد تا ظرفیتی از فاز دوم مجموعه سروش را به این افراد اختصاص دهیم و از امروز طرح جمع‌آوری معتادان متجاهر کمتر از ۱۸سال در تهران اجرا شده است.

در همین راستا ما در بخشی دیگر از فاز دوم مرکز سروش بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ ظرفیت را برای نگهداری از افراد دارای صغر سن اختصاص دادیم.

به گفته رحیمی ابتدا قرار بود این کودکان به یکی از مراکز بهاران منتقل شوند، اما در بررسی‌های انجام شده مشخص شد که امکانات و شرایط این مراکز مناسب نیست و از این رو تصمیم گرفتیم که کودکان به مرکز مهر سروش منتقل شوند.

وی در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر اینکه برآورد پلیس از جمعیت کودکان معتاد متجاهر در شهر تهران چقدر است، گفت: طبق برآورد ما این افراد حدود ۲۰۰نفر هستند.

■ برخورد با مأموری که در مرکز واکسیناسیون رفتار ناشایست داشت

فرمانده انتظامی تهران بزرگ در ادامه از برخورد با مأموری که اقدام به رفتار ناشایست با سالمندان در یک مرکز تزریق واکسن کرده‌بود، خبر داد و ضمن عذرخواهی از مردم گفت: دهها مرکز تزریق واکسن در سراسر پایتخت و همچنین کشور مشغول فعالیت هستند که نیروی انتظامی که نسبت به تأمین نظم و انضباط در آن اقدام کرده‌است. متأسفانه در این مورد ممکن است مأمور اشتباهی کند که ما با آن برخورد خواهیم کرد، هر چند با مأمور خاطی در این پرونده نیز برخورد لازم انجام شده است.

مرد عتیقه فروش نقره داغ شد

مرد شیادی به بهانه برگزاری نمایشگاه و حراجی با عتیقه فروشی قرارداد بست، اما چند روز قبل از حراجی با سرقت ۱۱میلیارد تومان سکه‌های عتیقه او را نقره داغ کرد. تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه دارد.

به گزارش جوان، چند روز قبل مرد عتیقه فروشی به دادسرای ویژه سرقت تهران رفت و گفت مردی که مدعی بود کارخانه داراست ۱۱ میلیارد تومان سکه‌های قدیمی و عتیقه او را سرقت کرده است.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: سال‌هاست مغازه بزرگ آنتیک فروشی در خیابان ولیعصر دارم و با افراد زیادی هم که در کار خرید و فروش عتیقه هستند ارتباط دارم.

من وسایل آنتیک و قیمتی زیادی از کشورهای اروپایی و آسیایی وارد می‌کنم و به مشتریانم می‌فروشم و در این زمینه سرشناس هستم. چند سالی بود که تصمیم داشتم گالری داشته‌باشم و هر از گاهی هم نمایشگاه برگزار کنم که مشتریانم راحت‌تر از من خرید کنند، اما داشتن گالری و نمایشگاه دائمی نیاز به سرمایه زیادی داشت به همین خاطر به تنهایی قادر به اجرای نقشه‌ام نبودم تا اینکه مدتی قبل مردی که مدعی بود کارخانه‌دار است، برای فروش پیانوی قیمتی به مغازه‌ام آمد. او خودش را تورج معرفی کرد و گفت کارخانه دار است و وضع مالی خوبی دارد. تورج گفت پیانوی قدیمی دارد و می‌خواهد آن را بفروشد و از من خواست به خانه‌اش بروم و پیانوی او را ارزشگذاری کنم.

■ شراکت

وی ادامه داد: پس از این من همراه کارشناسم برای قیمتگذاری پیانو راهی خانه او در شهرک غرب شدیم. تورج خانه ویلایی بزرگ دوطبقه‌ای داشت که مدعی بود مدتی قبل پیانو را ۸۵میلیارد تومان خریده است. مرد کارخانه‌دار که خدم و حشم زیادی هم درو برش بودند به من گفت تصمیم داشته خانه ویلایی‌اش را بفروشد، اما الان که با من آشنا شده تصمیمش عوض شده و می‌خواهد با من شریک شود.

من و همکارم پیانوی قدیمی او را قیمتگذاری کردیم و به او گفتیم که اگر با این قیمت قصد فروش دارد به ما خبر بدهد.

پیشنهاد شراکت او را خیلی جدی نگرفتم چون از ظاهرش معلوم بود که سرمایه زیادی دارد و بعید می‌دانستم که در این زمینه سرمایه‌گذاری کند تا اینکه چند روز بعد دوباره به مغازه‌ام آمد و دوباره پیشنهاد شراکت داد و گفت حاضر است طبقه اول خانه‌اش را برای گالری و نمایشگاه دائمی لوازم آنتیک و عتیقه در اختیار من بگذارد. او گفت که در تمامی حراجی‌های داخل و خارج از کشور شرکت می‌کند و با هنرمندان، تاجران و افراد سرشناسی که در زمینه خرید و فروش لوازم آنتیک فعالیت دارند ارتباط دارد.

تورج گفت که با همکاری هم می‌توانیم در محل نمایشگاهمان حراجی هم برگزار کنیم. در نهایت او با حرف‌هایش مرا خام کرد و از طرفی هم من فکر می‌کردم اگر با او شریک شوم به آرزویم که داشتن گالری و حراجی است، می‌رسم.

■ گالری

به‌هرحال پس از چند بار صحبت قبول کردم و با او قرارداد همکاری بستم و تورج هم خیلی زود یکی از طبقات خانه‌اش را برای نمایشگاه و برگزاری حراجی آماده کرد. وقتی از محل نمایشگاه بازدید کردم دیدم همه چیز آماده است و به همین خاطر من هر چه لوازم آنتیک و قدیمی شامل تابلوهای نقاشی خارجی و حتی تعدادی تابلو گرانقیمت از هنرمندان ایرانی به همراه مجسمه‌ها، سکه‌ها و لوازم قیمتی و قدیمی دیگر که حدود ۱۷میلیارد تومان ارزش داشت به محل نمایشگاه منتقل کردم. بعد از انتقال لوازم نوبت چیدمان و دکور آن رسید که تورج یکی از دوستانش را که در کار دکور حرفه‌ای بود به محل آورد و همه وسایل‌ها را طبق نظر او چیدیم. قرار بود تورج زمان برگزاری حراجی را اعلام کند و حتی کارت‌های دعوت هم آماده کرده بود و من هم برای افتتاح نمایشگاه و همزمان برگزاری حراجی ثانیه شماری می‌کردم وخوشحال بودم که به زودی از این راه درآمد سرشاری نصیبم می‌شود تا اینکه آن شب تلخ فرا رسید.

■ کلاهبرداری

چند شب مانده بود به برگزاری حراج بزرگ تورج گفت حراجی در کار نیست و فقط قصد برگزاری نمایشگاه را داشته است. پس از این همراه کارشناسم برای انتقال اموالم به خانه ویلایی تورج رفتیم که مدعی شد با من شراکتی ندارد و همه لوازم آنتیک و عتیقه‌ام متعلق به خودش است و از من خریده است. تورج گفت که دیگر اجازه ندارم به محل زندگی او بروم. ابتدا فکر کردم او شوخی می‌کند، اما وقتی نوکرانش ما را با ضرب و جرح از خانه بیرون کردند تازه فهمیدم که او به بهانه نمایشگاه از من کلاهبرداری کرده و قصد دارد اموال مرا سرقت کند.

پس از این به اداره پلیس رفتم و از او شکایت کردم و پرونده ما هم در دادسرا در حال رسیدگی بود که در نهایت قاضی پرونده حق را به من داد و او را محکوم به خیانت در امانت کرد و دستور داد که تورج همه اموالم را به من برگرداند.

سرقت ۱۱ میلیارد تومانی

با گرفتن حکم قضایی بلافاصله با وکیلم و مأمور پلیس به سراغ تورج رفتیم و حکم قضایی را هم به او نشان دادیم که کلید خانه را در اختیار ما گذاشت تا لوازم را از آنجا به مغازه‌ام منتقل کنم.

چند روزی طول کشید و من در چند مرحله لوازم عتیقه و آنتیکم را به مغازه‌ام منتقل کردم تا اینکه در آخرین مرحله وقتی به سراغ گاوصندوقم که داخل آن مقدار زیادی سکه‌های قدیمی به ارزش ۱۱میلیارد تومان بود رفتم و متوجه شدم گاوصندوق خالی است و تورج همه اموالم را از داخل آن سرقت کرده است. الان فهمیدم که مرد کارخانه‌دار به بهانه برگزاری نمایشگاه چوب حراج به زندگی‌ام زد و مرا نقره داغ کرد. من از او به اتهام سرقت ۱۱میلیارد تومان سکه شکایت دارم. با شکایت مرد عتیقه فروش پرونده به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

بررسی‌های مأموران نشان داد پس از حادثه تورج به مکان نامعلومی گریخته است. همچنین مشخص شد خانه دو طبقه ویلایی اجاره‌ای بوده که چند روز قبل از حادثه موعد اجاره آن تمام شده است.

تحقیقات درباره این حادثه و دستگیری مرد کلاهبردار برای روشن شدن زوایای پنهان آن ادامه دارد.

فرار دختر ۱۶ ساله با خواستگارش به افغانستان

دختر ۱۶ساله وقتی خانواده‌اش با ازدواج او با کارگر افغانی مخالفت کردند با سرقت طلاهای مادرش همراه خواستگارش به افغانستان گریخت.

به گزارش جوان، چند روز قبل زن و مرد میانسالی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفتند و از مرد افغانی به اتهام فریب و ربودن دختر ۱۶ساله‌شان شکایت کردند.

زن میانسالی در توضیح ماجرا گفت: دخترم سهیلا دانش‌آموز است و من و شوهرم تصمیم داشتیم او درسش را ادامه دهد و وارد دانشگاه شود اما مدتی قبل متوجه شدیم او عاشق پسر جوانی شده است و تصمیم دارد با او ازدواج کند. سهیلا از مدتی قبل به صورت پنهانی از طریق اینستاگرام با پسر جوانی ارتباط دوستانه برقرار کرده‌بود. آنها هر روز از طریق تلفنی و پیامکی با هم ارتباط داشتند تا اینکه روزی دخترم موضوع را با من در میان گذاشت و گفت عاشق پسر جوانی به نام بهرام شده‌است. دخترم گفت که بهرام قرار است به زودی به خواستگاری‌اش بیاید و از من خواست که با پدرش صحبت و او را راضی کنم. وقتی حرف‌های دخترم را شنیدم شوکه شدم چون هنوز او در سن نوجوانی بود و من از او انتظار داشتم درباره کتاب و مدرسه با من حرف بزند و از طرفی هم من و شوهرم تصمیم داشتیم او را به دانشگاه بفرستیم. خیلی تلاش کردم که او رابطه‌اش را با پسر جوان قطع کند، اما فایده‌ای نداشت تا اینکه مجبور شدم موضوع را به شوهرم بگویم.

■ خواستگار افغان

شوهرم نیز با شنیدن این حرف مثل من خیلی شوکه شده‌بود، اما وقتی که تحقیق کرد و فهمیدیم دخترمان با یک کارگر افغان رابطه دوستانه برقرار کرده و قصد دارد با او ازدواج کند بیشتر تعجب کردیم و حتی غیر قابل باور بود که سهیلا همچنین تصمیمی گرفته است.

ما فهمیدیم که بهرام او را فریب داده است و به همین خاطر هم دوباره با دخترمان صحبت کردیم، اما او اصرار داشت که با بهرام ازدواج کند و وقتی هم با مخالفت ما روبه‌رو شد شروع به لجبازی کرد تا جایی که بعضی شب‌ها شام نمی‌خورد و با ما هم حرف نمی‌زد.

پس از این شوهرم برای اینکه رابطه آنها را قطع کند تلفن همراه سهیلا را گرفت و حتی به او اجازه خارج شدن از خانه را هم نمی‌داد.

وی ادامه داد: ما فکر می‌کردیم که دخترمان را کنترل کرده‌ایم و او هم بهرام را فراموش کرده است تا اینکه امروز صبح وقتی از خواب بیدار و متوجه شدم که سهیلا در خانه نیست که پس از بررسی دوربین‌های مداربسته محل زندگی‌مان فهمیدم که او نیمه‌های شب وسایلش را داخل ساکی ریخته و از خانه خارج شده است. من سریع موضوع را به شوهرم اطلاع دادم و او هم به خانه آمد که پس از بررسی اتاقش متوجه شدیم او تمامی مدارکش را برداشته و حتی تمامی طلاها و جواهرات مرا که حدود ۶۰۰میلیون تومان ارزش دارد سرقت کرده و به همراه بهرام گریخته است.

وی در پایان گفت: ما همان ابتدا فهمیده بودیم که بهرام دخترمان را فریب داده و از او خواسته است که طلاهای مرا سرقت کند و همراه او به افغانستان برود، اما وقتی با دوست صمیمی‌اش حرف زدیم به یقین رسیدیم. دوست سهیلا گفت که دخترمان با او تماس گرفته و گفته که بهرام از او خواسته طلاهای مادرش را سرقت کند او هم سرقت کرده و با بهرام به افغانستان رفته است. من و شوهرم الان نگرانیم که چه سرنوشتی در انتظار دخترم در کشور افغانستان است و درخواست داریم دخترم را پیدا کنید و به کشور برگردانید.

با شکایت زن و مرد میانسال پرونده به دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد دختر نوجوان همراه خواستگارش به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده‌اند. تحقیقات درباره این حادثه از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

دیه و حبس مجازات قتل همکلاسی

پسر نوجوانی که در درگیری یکی از همکلاسی‌هایش را با ضربه چاقو به قتل رسانده‌بود در دادگاه به دیه و حبس محکوم شد.

به گزارش جوان، یک‌دی‌سال ۹۸، مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک پسر نوجوانی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به آرش ۱۵ساله بود که با ضربه چاقو زخمی و بعد از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت خونریزی فوت کرده بود.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، دوست مقتول که در بیمارستان حضور داشت به مأموران گفت: با دوستانمان در پارک قرار گذاشته‌بودیم و آرش نیز همراهمان بود. قرار بود با دوست مشترکمان که کیارش نام داشت درباره اختلافمان صحبت کنیم، اما با آمدن او کار به درگیری کشید. در آن درگیری کیارش چاقویی از جیبش بیرون آورد و یک ضربه به آرش زد. آرش خونین روی زمین افتاد و کیارش هم با دیدن این صحنه به سرعت از محل فرار کرد. همان موقع با اورژانس تماس گرفتیم و دوست زخمی‌مان را به بیمارستان رساندیم، اما تلاش پزشکان برای نجات جان او فایده‌ای نداشت و آرش فوت کرد.

با بدست آمدن این اطلاعات کیارش ۱۶ساله به عنوان قاتل تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه روز بعد از فوت پسر نوجوان به اداره پلیس رفت و به قتل همکلاسی‌اش اقرار کرد. با اقرار متهم، وی تحت بازجویی قرار گرفت و در توضیح حادثه به مأموران گفت: «من و آرش در یک مدرسه و با هم همکلاسی بودیم. در مدتی که با هم دوست بودیم او به خانه‌مان می‌آمد و با هم رفت و آمد داشتیم تا اینکه به خاطر رفتارهای او و یکی از دوستانش، خانواده‌ام دیگر اجازه ندادند با او رابطه دوستی داشته‌باشم. پس از این رابطه من و آرش کمرنگ شد و دیگر رفت و آمدی نداشتیم. آرش چند بار با من درباره این موضوع صحبت کرد، اما من طفره رفتم و جوابش را ندادم. همین باعث شد او از من ناراحت شود و چند بار در اینستاگرام برای من کری‌خوانی کند. اهمیتی ندادم، اما او و دوستانش دست بردار نبودند تا اینکه آخرین بار یکی از دوستان آرش تماس گرفت و گفت برای حل مشکلمان به پارک بهاران بروم تا در این باره با هم صحبت کنیم. من از آرش و دوستانش می‌ترسیدم چون آنها اهل درگیری و کتک کاری بودند و به خاطر همین موضوع، قبل از رفتن به پارک یک چاقو برداشتم و همراهم بردم. وقتی سر قرار رسیدم و آنها را دیدم کار به درگیری کشید. در آن درگیری او و دو نفر از دوستانش به من حمله کردند که دست به چاقو شدم و ناخواسته آرش را به قتل رساندم.»

با اقرارهای متهم، دو نفر از دوستان مقتول نیز به اتهام شرکت در نزاع دسته‌جمعی دستگیر شده و تحت بازجویی قرار گرفتند. با اقرار متهمان که همگی زیر ۱۸سال سن داشتند، کیارش به اتهام قتل عمد و شرکت در نزاع منجر به قتل و دوستان مقتول نیز به اتهام شرکت در نزاع منجر به قتل به کانون اصلاح و تربیت منتقل شدند.

پرونده در حال کامل شدن بود تا اینکه دوستان مقتول با قرار وثیقه آزاد شدند.

■ محاکمه

به این ترتیب پرونده بعد از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا اینکه بعد از تعیین شعبه در اولین جلسه رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه‌هفتم دادگاه (شعبه رسیدگی کننده به پرونده اطفال) قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای‌دم برای قاتل درخواست قصاص کردند.

سپس نماینده کانون اصلاح و تربیت که همراه متهم به دادگاه آمده‌بود در جایگاه ایستاد و گفت: «آرش بعد از اقرار به جرمش به پزشکی قانونی معرفی شد تا اینکه کمیسیون سه و پنج نفره در گزارشی اعلام کردند متهم هنگام ارتکاب جرم از رشد و کمال عقلی برخوردار نبوده‌است. از دادگاه تقاضا دارم متهم طبق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی محاکمه شود.»

در ادامه آرش به اتهام مباشرت در قتل عمد در جایگاه قرار گرفت. او با اقرار به جرمش در شرح ماجرا گفت: «بعد از اینکه رابطه‌ام را با آرش کم کردم او از من دلخور شد و برای لجبازی در اینستاگرام با من کل کل می‌کرد. این گذشت تا اینکه شب یلدا مادرم در خانه‌مان طبق رسومات جشن گرفته بود. من چند عکس گرفتم و در اینستاگرام عکس سفره یلدایمان را استوری کردم، اما دوست مشترک من و آرش برایم پیغام فرستاد و مرا مسخره کرد. می‌دانستم به هواخواهی از آرش آن حرف‌ها را می‌زند. جوابش را ندادم اما آنها دست بردار نبودند تا اینکه تماس گرفتند و خواستند به پارک بهاران بروم تا در این درباره اختلاف‌مان حرف بزنیم. نمی‌خواستم جلوی آنها کم بیاورم به همین خاطر قبول کردم، ولی آنها را می‌شناختم و می‌دانستم شر هستند که از ترس چاقویی برداشتم تا اگر لازم شد از خودم دفاع کنم.

متهم درباره جزئیات قتل گفت: وقتی به پارک رسیدم آرش به همراه دو نفر از دوستانش به آنجا آمده‌بود و منتظر بودند تا مرا ببینند. آنها به محض اینکه با من روبه‌رو شدند به طرفم حمله و شروع به فحاشی کردند. برای اینکه آنها را بترسانم تا به من آسیبی نرسانند چاقویی را که همراهم بود از جیبم درآوردم و آن را در هوا چرخاندم. همانطور که چاقو را می‌چرخاندم یکدفعه به صورت آرش برخورد کرد. با این ضربه دوستانش همگی به من حمله کردند و مرا از پشت سر گرفتند. تلاش می‌کردم تا خودم را از دست آنها نجات دهم و همچنان چاقو دستم بود که این بار چاقو ناخواسته به گردن آرش برخورد کرد و او روی زمین افتاد. وقتی مقتول را خونین روی زمین دیدم و از ترس پا به فرار گذاشتم و گریختم.»

متهم در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «باور کنید قصد کشتن او را نداشتم. بعد از قتل حتی جرئت رفتن به خانه را هم نداشتم به همین خاطر مجبور شدم به پارک بروم و شب را همان جا بمانم. حتی با خانواده‌ام تماس نگرفتم و آنها از من بی‌اطلاع بودند. از استرس و اضطراب ضعف کرده بودم و خیلی گرسنه بودم به طوری که از گرسنگی گریه می‌کردم تا اینکه یک رهگذر مرا دید و به طرفم آمد. او کنارم نشست و با من حرف زد و وقتی فهمید گرسنه هستم و پول ندارم برایم یک ساندویچ خرید. به او اعتماد کردم و ماجرای درگیری و قتل را گفتم. او بعد از شنیدن حرف‌هایم مرا تشویق کرد تا به پلیس آگاهی بروم و خودم را معرفی کنم. من هم قبول کردم و به اداره پلیس رفتم و حقیقت را گفتم. باور کنید پشیمانم و از اولیای‌دم درخواست گذشت دارم.»

بعد از آخرین دفاع متهم در ادامه متهمان دیگر به اتهام شرکت در نزاع منجر به قتل جرمشان را قبول کردند و از خودشان دفاع کردند.

در پایان هیئت قضایی با توجه به نظریه پزشکی قانونی، پسر نوجوان را طبق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی از قصاص معاف و به پرداخت دیه و پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم کردند. دو متهم دیگر نیز هر کدام به یکسال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم شدند.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان ۸۸۴۹۸۴۷۶

آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز ماشین سواری هاچ بک به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۳۴۸۹۹۳۲ به شماره شاسی NAAPO۳EE۴GJ۸۱۹۹۳۵ به شماره پلاک ۵۷ق۵۶۹ ایران ۳۵ به نام آرزو کریمی چبنلو مفقودشده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز

آگهی اعلام مفقودی

برگ اعلام وضعیت (برگ سبز)، سند کمپانی و وکالت فروش خودروی سواری پراید مدل ۸۷ به شماره انتظامی ۳۵- ۹۷۳ ه ۸۷ و به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۷۸۸۶۴۰ و به شماره موتور ۲۴۵۸۸۱۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز

آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز و کارت خودرو سمند ال ایکس مدل ۱۳۸۶ پلاک ۵۵- ۴۳۹ م ۳۵ ش موتور ۱۲۴۸۶۱۲۵۱۶۴ ش شاسی ۷۳۲۸۹۵۹۱ به نام احمد کبیری کدملی ۲۴۳۲۶۵۹۶۱۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. شیراز

آگهی دعوت از مجاورین

م الف ۶۵۱

حسب درخواست مرحوم ربابه باغنی مالک ششدانگ یک باب خانه به شماره پلاک ثبتی ۲۰ فرعی از ۱۳ اصلی بخش ۹ مشهد مبنی بر نقشه برداری وتثبیت حدود وصدور سند مالکیت تک برگ نسبت به پلاک فوق، باتوجه به اعلام وکیل رسمی مالک مبنی بر عدم دسترسی به مجاورین، بدین وسیله در اجرای کد ۹۱۴ م.ب ثبتی و بخش نامه شماره ۹۰/۴۶۸۶۹ مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۱ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، به اطلاع مالکین مجاور می رساند، نماینده و نقشه بردار این اداره در ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۴/۱۴ در محل وقوع پلاک واقع در بلوار امت، امت ۳ کوچه سوم قطعه دوم چپ پلاک های ۶و۸و۱۰ جهت معاینه محل و نقشه برداری حضور خواهند یافت. شایسته است مالکین و متصرفین فعلی پلاک های مجاور در روز و ساعت مقرر جهت جلوگیری از تضییع حقوق احتمالی خویش در محل حضور یابند. عدم حضور مانع از ادامه عملیات ثبتی نخواهد شد.

رییس ثبت اسناد ناحیه ۵ مشهد

آگهی اعلام مفقودی

کارت خودرو سواری شخصی ۴۰۵ جی ال ایکس مدل ۱۳۸۳ برنگ بژ متالیک بشماره پلاک ۱۱-۷۷۲ج۸۹ بشماره موتور ۱۲۴۸۳۰۵۱۹۹۰ شماره شاسی ۸۳۰۲۷۱۵۱ به نام آقای رضا افسر بیگی بشماره ملی ۱۵۸۱۲۲۳۲۷۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی اعلام مفقودی

سند مالکیت و برگ سبز موتورسیکلت سیستم ۱۲۵cc مدل ۱۳۸۸ به رنگ نقره ای به شماره پلاک ایران ۳۹۴ ـ ۱۹۸۶۶ به شماره موتور ۱۵۶FMI به شماره شاسی NBF۱۲۵B۸۸۲۲۸۵۷ متعلق به سیاب مقتدر کرج آباد و وکالت تیرناز مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد. تبریز